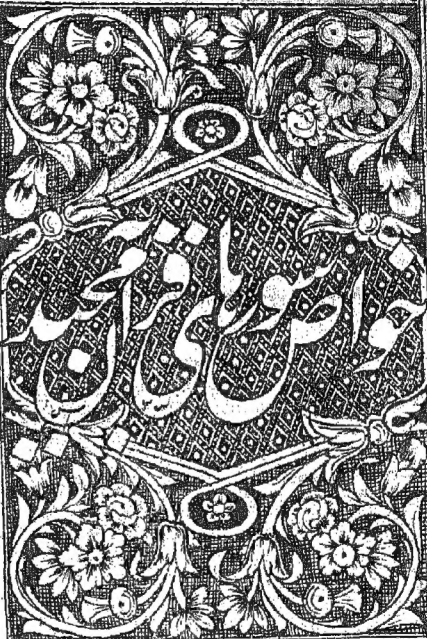
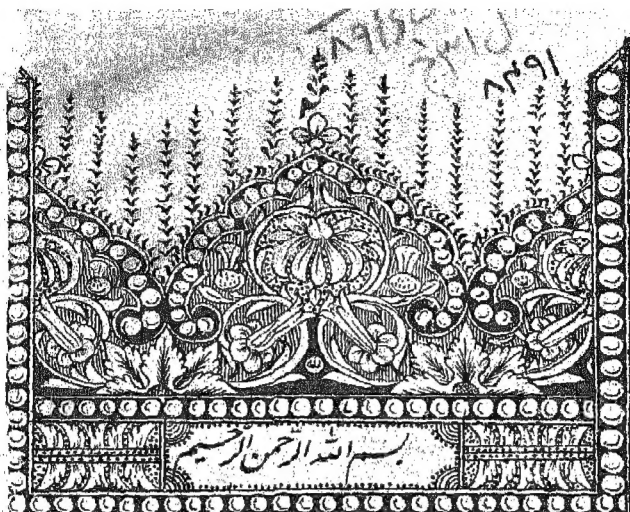


وَمِنْ بَرَكَاتِهِ كُلُّ عَمَلٍ لِلَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ



در طبع مصطفیٰ محمد مصطفیٰ خان طبع نمود



بسم الله الرحمن الرحيم

درخواست کلام سبحانی
 کرد چنان مسلم شوند تمام
 حلق عالم همه نوشته کنند
 علما جز آن بیان کردند
 نظم کلام بر ای آسان
 اولین شرط آن بود اخلاص
 ورنه هر چند دست برداری
 و رنجی هم سوزگه آهنگ
 اول روزها نماز شود صافی
 مشروط دیگر طهارت است نماز
 مشروط دیگر فراغت خاطر
 اول و آخرش درود بخوان
 بتفرع تمام عجز نکن

کان فزون است از حد حصا
 و بشود خود دیداد و ریاضا
 نتوانند کرد استقصا
 از برای عمومی حلق خدا
 ایک گفتند شرط آنرا
 تا دعار اشر شود پیدا
 بحد حاجت تو نیست روا
 چند شرط دیگر بکن آفر
 خاطر پاک از کد و ترس
 بهر حاجت دور کشت مولی
 پس و عاکن ثبت بغیر ریا
 هم بدخواه از رسول خدا
 وقت خواندن سخن مکن اصلا



<p>تا کند اسبج بفضل خدا با تو بخت خدا از لطف و عطا دست بردارد و عاجز نمی بجا فاخته خوان مرا از عفو خدا</p>	<p>پس ما کن بحکم آذ غوثی هر چه در خاطر است خطور کند صدق پیش آورد و فضل خوا چون بیای می را و خود ای دوست</p>
<p>در خواص فیض اختصاص بسم الله الرحمن الرحیم گوید از راه صدق بسم الله کندش لطف فضل خود همراه شبه شیطان شود از او کوتاه کرد و از سر غیب او آگاه</p>	<p>هر که در بهتد ای هر کاری کارش ایند و بر آورد آسان خیر و نیکی رسد با وزان کار هر که آورد کشت بسم الله</p>
<p>در خواص سورة فاتحه</p>	
<p>نپذیرد هیچ حال و در عبادت شبی کند احیا کا استجابت شدین بود بدعا کند همه ام سوره فاتحه را حق تعالی از محض لطف و عطا یا برو دهنش و بر اعضا بدست دست را و دست آغا تیره روی بدلی شود بصفا بروی این سوره خواند ای خوانده تر باک عظم آشتا</p>	<p>خسته گزشتد اندام را دوستی کنه برای صحت او صبح صادق میان سنت و غیر چل آنو یکبار از سر اخلاص خلعت صحتش بپوشاند و کسی را تکلف فتد بر رو گو با همتی بخواند ببال تا نماند ازین مرض آثار و کسی مار و کژدش بگذرد ز آنکه احمد را رسول خدا</p>
<p>در خواص سورة البقره</p>	

<p>کر کسی هفت بار بعتسده بهر دفعه گزیده دیو و پری و از برای شفا همین سورت بپا برایش شود ز اهل</p>	<p>خواند از روی هفتاد و خضوع کرد و آسیب شان از و نه دفع بنویسند بر صدر و جانش آسوده باشد و مجروح</p>
<p>در خواص سورة آل عمران</p>	
<p>آل عمران ادای قرض بخوان که تقاضای شت و هم عود</p>	<p>سینه بار از سر خلاص کند حق بقضل خویش خلاص</p>
<p>خواص سورة الفاتحه</p>	
<p>هر که اترس در نهاد بود پس بشود بنوشش تا روز بهر بر زن که خوانش ده بار خاصیت از کلام جوته ز سحر</p>	<p>الفاتحه کو بر عسکران بنویس بر بی از و سوس لمیس شود اندر عفاف چون لمیس کان ضامنیت و صلیه و لمیس</p>
<p>سورة المائدة کثیرة الفائدة</p>	
<p>سورة المائدة چل و یکبار وقت تشنگی و قحط بفرستد در نویسی و شسته کردانی در مستقی ارباب شایه</p>	<p>هر که خواند برسد بفاطمه یا ایزد از آسمانش بامد یا شریت آبی از ان بصدق و صفا تشنگی کم شود و برسد بشفا در امان باشد از خسارتها</p>
<p>سورة الانعام</p>	
<p>چل و یکبار سورة الانعام حاجت سر بسر زود کرد</p>	<p>بهر هر حاجتی که بر خوانی از عنایات و فضل رحمانی</p>

<p>و آنکه در رفاهیت ماسی یابی از شر ط خواند نشدانی که تو هر روز و روز دیگر دانی کامل اندر صفات انسانی بگذری زین خیال نفسانی مخو و یابی صفای نورانی ایمن از آفت و پیرشانی از عطیات فیض سبحانی</p>	<p>سیک مشب بخوانی آن بهتر هر مرادی که خاطرش خواهد بچنین پناه و زیاده و فریابی در شبی و در اوستی با شیشه کردی از بی هو او هوس تیرگیهای خاطرست کرد شودت کار دنیوی تمام در بهشت برین شود جایست</p>
<p>سورة الاعراف</p>	
<p>بهر امن از عذاب روز شمار وقت از بنا عذاب التار</p>	<p>سورة اعراف را سه بار بصد خواند ایمن شود ز هول و عقاب</p>
<p>سورة الفال</p>	
<p>بهر زندانیان بصدق بخوان از عنایات حضرت رحمان</p>	<p>هفت نوبت کردی الفال نامزد کران خلاص شوند</p>
<p>سورة التوبة</p>	
<p>بازده بار توبه سوره بخوان هر چه خواهد از حضرت سلطان مال او را امان دهد در جان</p>	<p>هر که حاجت بپادشاه ببرد تا موافق مراد خود یابد و کر آنز میان رخت بند</p>
<p>سورة یونس علیه السلام</p>	
<p>جهت نصرت شدن ب فضل خدا فتح او را شود سر اعدا</p>	<p>بست و یکبار سوره یونس هر که خواند بهفت اوستام</p>

درویشی ز عصفه ان و بشک	بر ورق آهوی لطیف اجنه
شوی امین ز شر دیو و پری	ز سه با تو هیچ رنج و بلا
سورة یهود علیه السلام	
بر مویی که پیش آید نرود	سیزده بار اش بخوانی شود
بکفایت رسد بفضل خدا	لیکن جن خاص حاصل مقصود
سورة یوسف علیه السلام	
سیزده بار سوره یوسف	که بجا جت روی سوی سلطان
تا بیابی بکام خویش مراد	ای برادر لصدق آن خوان
در بدیوار خانه بنویسی	یا بجای دیگر سیزده زمان
آن سرفراخ و مبارک شد	بر تو هم بر جمیع فرزندان
سورة زعد علیه السلام	
کودک از پیشمار کریم کند	سورة زعد هجده بار بنویس
پس بیاوریش نمایش دم	تا نکرید در زمین آنیس
سورة ابراهیم علیه السلام	
مرد بسته چو سوره ابراهیم	سه گزرت ز عفت و سوره بخوان
هم بشک و کلاب بنویسند	پس بشویند شربت آب از آن
چون خورد مرسته بکشاید	بفضل خدا فی جنان
در سفر گماند این تهنید	دولت آید و رحمت یزدان
بسلامت رسد بمنزل خویش	با همه مهر باد و یار آن
سورة الحجر	
وقت بیج و شری چو سوره حجر	خواند او بیج آن مبارک دن

همه مجسموع دان درین قرآن	هر سعادت که هست در عالم
سوره النحل	
رو صبار می بساز از قرآن از سر عتقا دو صدق بخوان متفرق شوند و سرگردان دشمنانت شوند در فرمان	ایکه از دشمنان کنی تشویش یکصد و هشت بار سوره نحل تا یکبار چون بنات انش وز نگه داری این کریمه بخوشتر
سوره بنی اسرائیل علیه السلام	
هفت نوبت کریمه سبحان و از صمیم دلی صدق بخوان بمرا دلت شود سامان گیرد او را زبان بوقت بیان شسته باطل دل آن کریمه چنان لیکن خلاص باید و بهتان	بهر حاجات دینی و دنیوی از سر عتقا و نیت پاک تا هفتاد و دو بار و بیست کودکی را که بر سخن گفتن مشک بازعفران گرفته نویس تا شود او چو عنایب فصیح
سوره الکهف	
جمعه تار و زجعه دیگر کرد و این نه خون بیم و خطر در میان مصاحبان مضطر در خلافت شود عسیر و دتر	سوره کهف هر که بخواند باشد اندر حمایت قرآن و اگر کثرت شد مرض شود وام او را خدا می بگزارد
سوره مریم علیه السلام	
مال یا سنی و مرتبه بسیار مانند در ضمیر بی تکرار	مریم از هفت بار بر خوانی که چه یکبار از بنوی سختی

خسته مری اگر نوشته خورد بسته گز خورده کشاده شود بر درخت از بنید دانه رباغ هفت روز از نوید و بخورد علت و زحمت و جبر احتها هم زد و پری شوند امین جای باشد ترا بجلد برن	بطریق که گفتت دوسه بار براد دشمن بر آید کار آرد از مال پیش پیش شمار مستندی خیف و بی تیار برود از وجود او بسیار اهل خانه توان صغار و کبار در جوار من از ل خیار
--	---

سوره طه علیه السلام

بهر تزیوج دختران طه عنقریب از عنایت یزدان بر همه دشمنان شود غالب در بشوئی و آبش آشامی جاه یابی زیاده جهان	بست و یکبار هر که بر خیزد بخت ایشان بگام بگشاید داد خود از زمانه بستاند جو ردورت و کز خجستاند جایگاهت رفیع گرداند
---	---

سوره الانبیاء علیه السلام

گرفت و یک کشت و آهسته و رونویسی و آبش آشامی و گرد و همی آیدت در پیش و اندران سجده چهل بار بخوان من شدم از همه ستمکاران تا سرچ یابی از هموم غموم لیک در سجده تو سجده را	سوره انبیاء صدق و یقین نشوی بعد از ان و کز عکین سجده کن بر زمین بجان و جبین و ذکر تسبیح یونس ای حق بین نیمت جز تو خدا بی پاک تر بین فصل بخشایدت خدا بی یقین رفع کردان که گفت اند چنین
--	---

سورة الحج ٣٦

وقت کشتی نشستن از سر صدق که بخوانی ترا خدا اینک	سورة الحج به نیت به سبب برساند بکعبه مقصود
--	---

سورة المؤمنون المفلحون

کاهلی در نماز جاهلی است مؤمن مرد کامل از خواند کاهلی از طبیعتش برود در کسی بشد بخر عادت کرد بهر ریغ سوره نویس کز کمال تفضل بزدان	ز آنکه معراج مومن سبب بهشت نوبت از روی صدق با خداوند دل شود همراز با کباب و رباب بشد و مساز از سر صدق حایل دواز از خجور و ضوق آید باز
---	--

سورة نور ٢٤

سورة نور هفت بار بخوان در نویسی و برگشت از فرارش کثرت است سلام کم کردد	تا شوی از ستکار از بستان از سر اعتقاد بدی آن کردی ایمین نه سوسه شیطان
--	---

سورة الفرقان ٢٥

در هلاک تو که بود شاهی از برای عنایت ظالم حق تعالی ترا نکند دارد	دشمن از بی دینتی نمایدان بهشت صد بار سوره بخوان از جفا و بلائی حمله چنان
--	--

سورة الشعراء ٢٦

هر که بیزان شود ز کس برده بنویسی و با خود آویز کنی	هفت نوبت گریه شعرا سر خدمت ترا بند برضا
---	--

آن که زنده باز نکر یزد	از تو در عمر خوشن اصلا
سورة النمل	
سورة النمل بحسب حاجت حق کفایت کند مراد آتش	هر که بگفت خواند او هر روز کردد از فضل حق بسا فیروز
سورة القصص	
سورة القصص هر که ورد کند در قیامت فرشته بر صدش	عاقبت باشد او ز صد لیان شا بدیند در حریم جنان گر نوشته برای ملوک کان از خلوص عقیده بروخوان خسکان راسته زان چنان
سورة العنکبوت	
دفع عشم را تو عنکبوت بخوان در نویسی بر عفران پیشک	بفت نوبت که تا شوی بی غم بهر خوشکدای مدار کرم شوی آسوده دل بیش از کم نرسد با تو از زمانه ستم
سورة الروم	
سورة الروم هر بدشمن بسیج دشمن و گریوی کموش	بست و یکبار هر که بر خواند بسد زان کارزار نتواند بس شیشه را بخت نماند اهل آزار از شر بر همانند
سورة لقمان علیه السلام	

ستو کل که در هجوم مرض چون شکم درد گیردش خواند	نیست محتاج حکمت یونان از سر صدق سوره لقمان
سورة السجده	
هفت بار آنکه سوره السجده یا نوبه بر عفران و بیشک از جند ام تب و تمام علل	از سر اعتقاد بر خواند حذر تقوید خویش کرده اند و زبلیات در امان ماند
سورة الاحزاب	
هر که از دشمن است پرستش تا مگر از میان شران	در دسازد چو سوره احزاب دشمنانت شوند جمله خراب
سورة النساء	
هفت نوبت سباصد بخوان تا نه بینی ز جور روز دهرم	ای گرفتار درد و درج و بلا هم نباشد ز دشمنانت بجا
سورة الفاطر	
چونکه حاجت ببادشاه بری سورة فاطر از سر اخلاص	با حکام صاحب دیوان زود هفتاد و پنج بار بخوان
سورة یس علیه السلام	
حفظ ایمان که از حد اخوای در نویسی بر عفران و کلاب پس بشوئی باب تازه خورکا در دولت نور حق ظهور کنند حفظ ایسان تو زیاده شود	ختم یس کن جل و کبار بر بیاض کثیره الانوار شکشف کرد دوت بسی اسرار که به انی مرتب ابرار چون بررکان دین نیکو کار

<p>در ستانت کنند خود را جاه یا بی زیر صفار و کجبار کردی مرد بسته را یکبار بنهی این کریمه خیر آثار بوستان را شمر شود بسیار دیو بگریزد و پری زان دار</p>	<p>بر همه دشمنان شوی غالب و رازان آب مفت روز خوری بستگها کشادگی گیرند در بطرفی که باشدش سر شک پس بیستان برای وضو بکنی شک نیار و بجزئیات کلام</p>
سورة الصافات	
<p>بهفت نوبت به نیت حاجات نیز حاصل شود و بیورکات</p>	<p>سورة الصافات که خوانی حاجت سرسبز و آید</p>
سورة الصاد	
<p>نیست کس ادرین سخن انکار نکند چشم بد بر نکست کار</p>	<p>مصطفی گفته چشم زخم حق است بهفت نوبت هر آنکه خواند صاد</p>
سورة الزمر	
<p>بشنو این رمز برای پس ز پیر از سر اعتقاد خوان تو زمر</p>	<p>جاه و عزت که از خدا خواهی بهفت نوبت برای عزت و جا</p>
سورة الفاطر المؤمن	
<p>عاجز ش سازه و زبون حق نزار بر حریری نویسی و با خود دار هر که خواند بصدق دل یکبار بهراد دلش شود همه کار</p>	<p>هر که او را اجرت بسیار از برای شفا بگو مؤمن وقت در ماندگی همین سوره دفع کرد و فضل حق هر پنج</p>
سورة حم مجده	

هر که چشم سجده را صد بار کرد از پسر بادشاه بیغم	هر صبح و مسامعیم کند دل سلطان بر در چشم شود
سوره سوری	
هر که از دشمنان بسی ترسد ترس آن دشمن از دلش برود	که بخواند سه نوبت سوری حق کند مهربان چو زن شورا
سوره الزخرف	
سه مرتبه هر که سوره زخرف حق تعالی بر آورد از غیب	خواند از صدق بر بهاش همه آمال و جمله حاجش
سوره الدخان	
هفت نوبت بخوان بصدق و خفا هر مویی که داری اندر دل	تا بسای بی ز قاضی الحاجات اول و آخرش بخوان صلوات
سوره الحاشیه	
هر که افتد بورطه سگرات تا در آن وقت کوپرا پاشش	سه مرتبه کت جاشیه بر در خون باشد ایمن ز غارت شیطان
همچنین واقع است این سوره سه مرتبه کت جهت دفع غمازان	
سوره الاحقاف	
بصدق و شورو دیو و پری خوانی این سوره عظیم نشان	کرته نوبت کریمه احقاف باشد چون حصار از اطراف
در نویسی بزغفتران و کلاب نمکند سحر ساحران بتو کار	نوش کن کوشش کن سخن هلاک نشوی تهیسم کذب و کذمت
سوره محمد علیه السلام	

در غنم اسوره محمد را تا که بر دشمنان ظفر باری ورنویسی باب ز فرم و مشک جاه و رفعت ترا ضعیف کند هر چه کوئی تو بشنوند نه صحت یار و دولت و نسی	جل و کبار خوان و بر خود دم ایمن آئی ز ترس هجم و الم پس بشوئی و در کشی دوسه دم حق تعالی ز فضل خویش اعم قول مقبول تو شود محکم دست شاه و دست پرغم
---	---

سورة الفتح

فتح و نصرت که از خدا خواهد تا که بنکامه حرب دشمن را ورنویسی و برکت بشدای	سورة الفتح خوان جل و کبار بکذ را فی به تیغ گوهر بار ایمن آئی ز دشمن مکار
--	--

سورة الحجرات

هر که را علت شکم باشد و شکمش به شود ز جمله علل و بر بدینسان مداومت بکند کرده باشد کسی که بی غیبت کرده و گفت اش بخشد حق	نفقت نوبت بخواند او حجرات شودش لطف حق مدحیات مدتی بگذرد کبار و ثقات گفته باشد اگر کسی سقطات یابد از فضل ایزدی در جات
--	--

سورة القاف

هست آدینه هر که سوره قاف وقت مردن دهد آسانی کور او پنهان شود و روشن خواه اکیاش شود بحسب برین	در هر آدینه خواند او شش بار جان شیرین بجزرت غفار که بر در شک کمند دوار تکلیه کاهش بهشت عنبر بار
---	--

سورة الزاریات	
هر که در الزاریات را خواند تنگ عیشی بر دوشه آید شود در نویسی برای حالمه زن در زادن بر و شود آسان	روزی هفتاد و پنج بار تسبیح دولتش بر ارم در دستش با کام که بود معیت او بی آرام زود کرد در خلاص نه آرام
سورة الطور علیه السلام	
شب که دیند سورة و الطور مرد زندانی از برای خلاص مردی دولت خلاص و نجات	خواند این شود در پنج خدم که کند ورد خود بصبح و بام بخشد شرف و بحال و الکرام
سورة النجم	
بست او یکبار هر که سورة نجم که بخواند مراد را یابی زن زهیده که شود دشوار بنویسند و بر سرش بندند	از برای بر آمدن حاجات بر هر روز از ندامت و حسرات حال بر روی زخوة و اخوات در زمان باید او خلاص نجات
سورة القم	
سورة اساعة از سر خلاص ترس و همت دل شود زایل هر شب جمعه هر که او خواند بر صواب تمام زود شود مدد بسیج دشمن بر و نیاید دست	که بخواند تصدق این باشی از قبر باد شد این باشد شرف لطف این از غفلت تب در دو غمش شود ساکن باشد این زود و از طاعت
سورة الرحمن	

در دهمت اگر دهد ز حمت	در خود ساز سورة الرحمن
در خوانی نویسد و با خود دار	تا بخشایدت خدا می جهان

سورة الواقعة

ایکه در مانده گشته و ذلیل	در میان خسته و فاقه درویشی
سورة الواقعة چل و یکبار	ختم کن تا ز فقر نماند تنی
از خواری برساند دولت	باعبیزان ترا بد خویشی
تنه که از حال او رود در حال	یابی از فضل حق عطایشی
و آنکه هر دم مدام بر خواند	بر همه سالقان کند بیشی
بر سر قبر هر که بر خواند	دور گردد عذاب دگریشی

سورة الحديد

هر که بهفت بار از سر صدق	خواند ای نور چشم سورة حدید
یابد از کار خویش بس حجت	رواق افزایدش جسد پدید
در به بیمار خواند او بشفا	رسدش لطف کرد کامحمد

سورة مجادله

که خصومت شود میان دو قوم	سه مرتبه کت سورة مجادله را
خوان بخاک و بر نیز جانب خصم	تا کشد آتش همت آتله را

سورة الحشر

که همی ترا شود چل روز	هر سجده بصدق دل یکبار
سورة الحشر را بخوان کایده	هر چه خواهی بکام دل آن کایه
لیک کردد فراموشی یکروز	خواندن از سر بکیر دیگر بار
چار رکعت نماز حاجت خوان	اگر هست حاجت ای دلدار

سورة الحشر خوان بجز رکعت شاد بایشی ز دولت وقبال	تمام ادب و دلالت و مهر غفار بخت یاور تر اسعادت کار
سورة الممتحنة	
هر که خواند بجز ز ممتحنة خاطر او شود ز دوزخ و سوز	پنج نوبت مداوم بی اکراه دست شیطان از او شود کوتاه
سورة الصاف	
هر که ستر زند تا خلف دارد هر چه آید بدستش از کم و بیش	که نه بر سیرت صلف کرد همه در دست او تلف کرد
پشت نوبت به سورة صاف دلبری ادب او ادب گیرد	خواند آن خوی بر طرف کرد یستر تا خلف او تلف کرد
و گراین سورة در خود سازی	و بخت ستر من عرف کرد
سورة البقرة	
دن و شو چون موافقت کنند از سر صدق سورة جمعه	ای برادر به نیت ایشان پنج نوبت با عفت و بخوان
سورة المنافقون	
صع مصلحتی گفت خرم در نزد یکصد و هشت نوبت از سر و	در هشت برین سخن چینیان ای برادر منافقون بخوان
ز آنکه این از مجربات بود	جهت دفع شره عماران
سورة التباين	
هفت نوبت تباين ای نژاد تا شود دشمن و دولت افزاد	از سر عتقاد و صدق بخوان اگر دشت مال ایمن از دروان

سورة الطلاق

گرت کرت طلاق را خوانی
دلت از تفسر قه خلاص شود
مجمع مالی از پریشان
هم ز تشویش در امان مانی

سورة التحريم

کر تو خواهی که هر بران بشند
و کرت قرض بیشمار شود با
از کمال یقین و صدق بخوان
تا بیمه دشمنان شوند دست
برضاز وجه مسئله است با
دشمنان تو بشنود این نصیحت
و اعلا باشد از غمیت بیم
بست و یکبار سورة التحريم
هم خود خاطر زودم تسلیم
سر در آرد در بقعه تسلیم

سورة الملک

سورة الملک هر که بر خواند
و فتح کرد دانه و بلا و قضا
بعت و کامرانی و برکت
و انکه هر شب بدام میخواند
فائز آید بولت دارین
شود او را عذاب گور پر گشت
باشد از نور معرفت آگاه
در معنی پروگشاده شود
ما سوتی اللہ پیش خاطر او
تا بیابی سعادت ابدی

چل و یکبار ای بدین مائل
بروی آسان شود همه شکل
دهش فضل حق عطا شامل
باشد او مرد راه حق کامل
بکمال فضل حق عامل
قبر او روضه جنت منزل
هم ضمیرش منور و هم دل
نبود از یاد حق دمی غافل
زود باطل نمایدش عاقل
یادگیر این خواص از عادل

سورة النون

خواند همین شود ز مرض جیون نشود در کف زمانه زبون هم ز چشم زمان بود مامون	هر که بیفتاد بار سوره نون حق کفایت کند بهایش از حوادث زمان شود محفوظ
---	--

سورة الحاقة

پس بشوئی بآب باز خوری دیگر از جور دوزخم نخوری باشد همین زشت دیو و پری غالب بید بقوت ستمگر کامل اند نصف اکل بشری باز خوانی بری ز در بدری شوی از آفت زمانه بری دار در کوشش و زحمت رجا جانم بر چه کاشته بری	سورة الحاقة چو بنویسی از زمانه مراد دل یابی در لطفی دبی که شیر خورد عقل و ادراک او بیفزاید نخل جایش سد با وج کمال که تو بیفتاد و پنج بار تمام که در آسان بشو همه کار در چکاتی دعا حافظه دل صدق پیش از وین مثل آذر
--	---

سورة المعارج

دل خود از وساوس انبار یکصد و شصت ه ز صدق و نیاز کرد و انجم کار عشرت و نماز بهشت نوبت بخوان دل خوش گاه شر آن بخوان و گاه نماز تا بیایی سعادت و عزت	وقت جنگ ای پسر بنی صالح پس بخوان سورة المعارج را نشود جنگ صد پیش آید در شوی محترم بسی از حد باش باک از وساوس شیطان یا دیگر این خواص در عمل آرد
--	---

سورة النوح علیه السلام

که عداوت از ورید بوضوح خوانده باید بصدق سوره نوح جانب خانه اش شود مجروح یا برآید بر و خدو ج قروح از سر قهر و کین پاد در قروح رسد از مرکب او بر ارفق	اگر ت دشمنی بود بی دین بهر دقش هزار بار تسم بعد از آن این دعا بخوان و بدین تا شود مبتلا بر سنج و بلا مع ذلک ایا لکلان جسم رسد از مرکب او جهان را خیر
--	---

دعا نیست

اللَّهُمَّ يَا رَبِّ السَّمَاءِ وَيَا مُجْرِي الْمَاءِ وَيَا عَالِمَ الْأَمْزَاجِ
 وَيَا مُغِيثَ الضُّعَفَاءِ وَيَا مُجَلِّئَ الْفُقَرَاءِ اللَّهُمَّ مَنْ كَادَ
 لِسُوءٍ فَكَبَّدَهُ وَمَنْ أَسْرَادَ لِي السُّوءَ فَأَتْرَدَهُ يَا مُجْرِي
 الْمَاءِ مِنْ تَحْتِ الْأَرْضِ اللَّهُمَّ أَمْطِرْ عَلَيْهِمْ عُلُقًا فَلَا يُسْقِي
 عَنْهُمْ دِيَارًا وَلَا يَجْعَلْ لَهُمُ الْأَشْيَارَ وَلَا تَنْزِلْ عَلَى الْأَرْضِ
 مِنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 لَا شَرِيكَ لَكَ فِي جَبَدٍ وَبَكَ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا قَدِيرُ
 يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا قَاهِرَ كَرَمٍ مِنْ عَانِدٍ قَهَرْتَ وَكَرَمٍ مِنْ
 ظَلِيمٍ أَخَذْتَ وَكَرَمٍ مِنْ مَظْلُومٍ نَصَرْتَ وَكَرَمٍ مِنْ عَذْبٍ عَمَلْتَ
 اللَّهُمَّ اكْفِنِي شَرَّ هَذَا الظَّلَامِ الْجَهْلِيَّ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ مَا لِي
 سِوَالِكَ مَهْرَبٍ وَلَا تَرْدِ الظَّالِمِينَ الْأَشْيَارَ يَا مَالِكَ الرِّقَابِ
 وَيَا شَدِيدَ الْعِقَابِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَيَا خَلِيفَ
 النَّاصِرِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ أَعِثْنِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سوره الحن

اگر اندر خواص سوره جن بهشت نوبت بخوان که دیو و بر در دساری سحرش باشد هر چه خواهی مدد رسد ز اش لیک شش طهارت تقوی در نباشی چنین چنان کرد	گویم ایهات بگذرد ز هزار از حوالی تو گشتند مشرالد در سنین شهر و دلیل هزار هم بیابی مراتب ابرار انزوایا تلاوت و آذکار که خاند ز بهشتش شمار
---	---

سورة المزل علیه السلام

هر که خواند مدام مزل رویت حضرت رسول خدا بهتر از رویت رسول خدا جمله حاجات او روا کرد همه چیز از زیارت نبوی است	از سر شوق غالب اوقات افضل خلق سید السادات در جهان چیست ای کریم صفا حاصل آید مراتب درجات سید کائنات راضی کون
---	---

سورة المدثر علیه السلام

ایکه دهرت برهنه میدارد تا بیابی ز جامه خانه غیب	ورد خود کن بصدق و ستر جاهای مناسب فاحش
--	---

سورة قیامت

از حساب قیامت ار پرسی سه کرت تا شود سبکباری بهی از عذاب تنگ کور	هر شب جمعه بخوان قیامت حاصلت از کمال فضل خدا شوی امین ز درد و رنج و غنا
---	---

سورة الدھر

از کلام خدا اطلب حاجت	از سر صدق هر صبح و صبا
-----------------------	------------------------

<p>تا بیایی مرا در هر دو سرا سید الانبیاء رسول خدا بی نوایان اهل ایمان را معتبر نزد اهل صدق و صفا خالی از ریب و عجب و کبر و پرا در فراویستی خشت المساوا خواند اندر بی نیاز و دعا بخشد او را خدای بی همتا</p>	<p>در هفتاد و پنج بار بخوان چون خبر داده بخبر صادق که در آن بس امید واری است یعنی آتی کاهل بیت رسند است روز آدینه هفت بار بخوان هر که خواند صفت خود بدیند وانکه هفتاد و پنج بار بصدق هر مردی که در دلش باشد</p>
سوره المصلات	
<p>دوست دارد خدا می غرض دل که تو خوانی ز بی خط و خلل بگذری از سهر دروغ و غل رہی از ورطه خلاف و جدل متزین شوی بعلم و عمل در امان باشی از جمیع علل</p>	<p>راست گو یان رحمت کاران سوره المصلات صد بار ره بری در مقام صدیقان بی رضای خدا تو دم نهانی بر همه دشمنان شوی عاب و بر تو نقد بخویشتن سازای</p>
سوره غشم	
<p>تا بیایی که ز واردات خبر ناظره خوان و یاکو از بر نور دل بخشد و جلالی نظر در عوارف نوشته نقل و کر می بر ندازد تو رشک شمس و قمر</p>	<p>خبری دارم از نباشنو سوره غشم بعد از پیشین روشنی دید کانت افزاید شهر و دی امام ربانی که خوانی تو نصیر بعد از غشم</p>

سوره النازعات

هر که در السزعات را خواند
کرد ایمین نزد حضرت سلطان
دارد ایمان او سلامت حق
است و یکبار ای صفای ضمیر
و از خطاب امیر و قهر دوزیر
کرد کار نصیر و حق تبار

سوره عبس

هر که هفتاد بار سوره عبس
خواند از صدق تا شود در شرف
عرض شکور و نیز مرض ردد
شب روز از میامین قرآن
بهر بینایی صیامت را
دیده آتش قابل نفی خدا
که بخوانند از برای شرف آبا
باز یابند دیده بینا آبا

سوره التکویر

است و یکبار سوره تکویر
داورد از بلا نگیرد
که بخوانی برای دفع بلا
بخشد نصیر و عون بر اعدا

سوره الانفطار

هر که هفتاد بار بر خواند
عجز و درماندگی از او برد
سوره انفطار هر که شاد
حق تعالی رساندش مراد

سوره تطهیر

کودکی از که می کند بسیار
که بخواند کم کند گریه
هفت نوبت برای تطهیر
از عنایات حق شود تخفیف
کرد در حلق نیک و لطیف
هم پندیده سیرت و صورت

سوره الشقاق

کزنی از مشقت زادن
در دزدان برود شود پیرا

تا بخشد خدا شن و دشتفا خواند این سوره را صبح و در قیامت شود شفیع او را	بخت بار انتقام بروی کم و آنکه می ترسد از قهر دین کور نشد و کور او چو بلغ فخر رخ
سوره البروج	
سهر کو کبی نکودانی بر تو از فیض و فضل سبحانی ختم این سوره اش و داد الی تا کی ای دل بدر در دانی	کر سه نوبت بروج را خوانی بسته کرد دوزبان بد کو بیان و آنکه را رحمت یو سیر است است قرآن و دایمی هر در
سوره الطارق	
سوره الطارق ای هنر پرور نرسانی تو ز رحمت دیگر	و مع وی و پری سه بار بخوان ما که ندی نه بینی از ایشان
سوره الاعلی	
از سه صدق سوره الاعلی این رشتی است حضرت مولی	کر سه میر وی سه بار بخوان تا بدولت روی و باز آئی
سوره العاشیه	
در نیاید حکیم هیچ دوش از سه صدق از برای شفا ما کند از فضل خود خلاص عدش	هر که را بدرفت در عضاش بست و یکبار غاشیه بخوانش تا بصحت بدل شود مرضش
سوره الفجر	
هر که هفتاد بار بر خواند و از قضا و بلاش بر ماند	سوره الفجر هر سه دفعه بلا این در از فضل خود شفا بخشد
سوره البدر الایمن	

خوانده اند در خول شب هر بند رسد او را ز اهل مصدود خاطرش جمع و مطمئن گردد هر شب در روز و روز خویش کند بهمجو برق از صبر ایستاده کرد حق ز نام خویشش جوید	هر که او سوره بلد است که کامرانی کند ز فضل خدا دلش از وسوسه شود فارغ و آنکه این سوره مبارک را روز محشر که برنج و بول شود حد کویان رود بصدر جهان
--	--

سوره الشمس

خوانده از غایت خشوع و خضوع همه مقبول باشد شمس موعود کند از آسمان جاده طلوع بسعادت دران جهان شمع روشن از هر طرف نورش موعود	هر که و الشمس ابوقت طلوع هر چه گوید بحلق خاص و عوام آفتاب سعادتش هر روز بسلامت بیاد حق باشد قبه او روفت بهشت شود
---	--

سوره الیل

صد و هشتاد بار بخواند کس بر وجود حق تسلیم تواند که در آن غصه سخت دریا چون شفق رنگ خود بگرداند خوانده خود را از غصه براند که ذکر غمش زنجارند	هر که و الیل ابوقت غروب مالش از دزد در امان باشد در غمی باشدش زیاده ز حد وقت خفتن ز صدی صدق دنیا سوره الشمس و سوره الیل حق نفس بخشدش بهر حالت
--	--

سوره الضحی

روز خواند بصبر دل دو بند و الضحی را برای هر غائب

بسلامت بسیار آن مفقود	بشادمانی شود بابل و تبار
سوره الم نشرح	
سه مرتبه هر که خواند از سر صد	وقت بیع و شرا الم نشرح
بیشک از حیف و غبن باشد دور	ست بدل شود و غمش حق بفرج
سوره التین	
سوره التین برای بر غائب	خواند از بصر حاضر شش و نه بار
بسلامت معاونت کند او	بسعادت نصیبش دولت یار
سوره علق	
سه مرتبه سوره علق بر خون	وقت رفق باستان ملوک
او بخیر عینیت ببینند	و ابروی از فلکات و صعلوک
سوره القدر	
سوره القدر هر که سازد دور	گاه و بگاه در شب بیخواره
هر گرفتار و رواج باید و فقر	دولت و کامرانی و عسره از
عقب هر وضو بقول رسول	سه مرتبه قدر خواند بصدر نیار
در هنگام خواب بر خواند	خاطرش آرد ز وسوسه یار
بست و یکبار خواند بتوفیق خدا	قبر خود را در جور و ضمه روشن ساز
سوره البقره	
سوره البقره بصدر نیار	بست و یکبار وقت صبح بخوار
تا شود طاعت همه مقبول	هم بری باشی از همه عصیان
و کسی را است از حجت بهر حال	یا گرفتار علت یرون
کو نویسی بخود نگه دارد	تا جیب بد ز هر دو مرض امان

سورة الزلزال

دفع خصمان سورة الزلزال و دشمنان نشوند آواره در نوشته بابل لقوه دهند پيچنين کړنوسې دشوئی از همه مر ضها شوی این	کر بخوانی بعد چار هزار بند او ند و حد القدر بند داین سوره را شود بقدر روی خود را بعتد ال سه بار تازه کرد در رخ تو چون کلک
---	---

سورة العاديات

سه مرتبه دفع چشم زخم ايجان کف چشم بد برو اثری	هر که والعاديات بر خواند از بدیها در امان ماند
--	---

سورة القارعة

تا بر آید همه جهات تا تو نیایی بر آنچه میخواستی	یکصد و هشت بار قارعه خوان بیکان از گرامت شد آن
--	---

سورة الکافرون

که نکاشد بر اسی دفع غموم حق نگهداردش فضل عیسم	سه مرتبه خوانی ای مداکرم از بلیات خود ب حفظ و جسم
--	--

سورة العصر

بست و یکبار سورة العصر منتظر شوند در عالم و نوشته بخود نگهدارند	کر بخوانی تمام بدگویان بی نوا و دلیل سرگردان حکم آن نیز همچنان میدان
---	--

سورة الهمزة

هر که ده بار سورة الهمزة خواند از صد هدر در شکم	
--	--

<p>همدران لحظه از کمال کرم که نباشد بران کسی محرم حق نکند اردو نکرد و کم</p>	<p>حق تعالی شفا دهد او را در برابری اینان کند چیزی خواند این سوره اصدق بران</p>
سورة الفیل	
<p>شب جمعه میان شام و عشا سورة الفیل هر دفعش را شود آسوده خاطرش ز عشا بجوشیل شود بران عدا بسیج مکرده زان بلا صلا دهدش حق ز لطف خویش شفا بعد اجد خوانی اسک مولانا دیگر می فیل بکهر دفع بلا باشی ای دوست در امان خدا</p>	<p>هر که از دشمنان بسی باشد که هزار و دویست و پانجاه خواند از شر دشمنان برید پیش ازین که حقیر بشد بود نرسد بروی و بر آب غش در بخوانی بصدق بر مصرع در هر رکعتی ز سنت صبح در یکی سوره الم نشرح بسیج دشمن بتو نیا بدست</p>
سورة القدریس	
<p>خواند از صدق از بلا برید در وی آن ز هر بیم افزنگند</p>	<p>هر که هر روز صحت بار قدریس در طعنا مشکنند ز هر آلود</p>
سورة الماعون	
<p>که بخواند بصدق دل را بجای که در زمین فقر و محتاجی</p>	<p>چل و یکبار سوره الماعون خویش فرزند و نیز بیونش</p>
سورة الکوتر	
<p>در همه عمر سوره الکوتر</p>	<p>هر که خواند هزار بار بصدق</p>

بیگمان در بهشت نوش کند	شربت کوثر از کف حیدر
سورة الکافرون	
حفظ ایمان خویش کر خواهی	سورة الکافرون بعد بخوان
ای دلباهفت بار هر روزی	حق تکبر از او زخل ایمان
سورة النصر	
سورة النصر بعد دفع بلا	هفت نوبت بصدق خوان سرور
تلاش و فتح و نصرت یاور	باشی از سخت خویش من قیروز
سورة تبت ید	
اگر هست دشمن بی دین	که بقصد تو باشد ش نیت
بهر اهلک دشمنان هر روز	هفت نوبت بصدق خوان
سورة الاحلاص	
هر که خواند هزار بار احلاص	شود از مضل حق نبت خلاص
و آنکه این سوره ورد خود سازد	شود از نبت کان خاص این خاص
سورة المعوذین	
هر کما از صدق دل معوذین	ورد خود ساخت هر صباح و مسا
باشد این تریم خوف و خطر	دفع کرد و از آن جمیع بلا
مکنند سحر و جاد و پیش کاری	بر روی او اهل بیت او ابد
خاتمه	
تظم کردم خواص قرآنی	بهر اهل رشاد و فضل و تقا
کر چه از صد هزار توان گفت	شده از خواص ته آن را
لیک بر شد رقابلیت خویش	این شد رجع کردم از هر جا

تا که نفی رسد از و بیک یا الهی بیکت قدر آن بکمالی که یافت ختم رسل که کنایان عادل مسکین تغم عفو بیکت ایش کش حاجت جمله ریفصل برآر تمام شد بحق و حرمت رسول خدا	تا طمش یاد آورد بدعا کو ست ما را ایا م و در آهینجا شب اسری از قرب او آذنی مونسد ما ز محض لطف و عطا برسانش بخت المساوا
--	---

تعداد سوره های کلام

سورهای کلام ربانی اولین فاتحه بقرآن و یک ماده پیش گیر با نعت ام بعد اوست سوره انفال توبه و یونس است و هود و عظیم حجر و نخل و باز اسر ایل نیز طه و انبیا دیگر سوره قمر فان و باز شعرا و ان روم و لقمان و سجده و احزاب نیز یس باز صافات است مومن و مجده است بار ذکر زخرف است و خان جاتیه نیز بر محمد سلام رسان نواریات است و طور و نجم و قمر	یکصد و چارده یقین دانی آل عمران و پس نسا بشکر باز اعراف خوان بصدق تمام خوان شب و روز ای حمیده جمال یوسف و زمره و باز اسر ایل کهف و مریم شنود من بی غل حج و المؤمنون و نور شمر نخل باقصص و عنکبوت بخوان هم سبا با تالک که دریاب صافات با زمره در ملاقات است نیز حرم عشق شمر با هم تو اصفاف خوان ز روی تمیز فتح و حجرات و باز زلف بدان نیز حرم و واقعیه بشکر
---	---

<p>پس حمید و مجاهد بشمار سوره متحن رسید به صفت از تقابن طلاق و کفر هم است فتم و حاقه و معارج توان پوشش پیش آفرینش دهر و المرت کات و هم بخوان کوثر است و سوره انعام است هم بر قوج است و طاروق و اعلى بقدر و شمس و سیل باز صحتی سوره اقرآ و قدر و بینه دان عادیات است و قارعه بخدا همزه و فیتل باقرش قرین کوثر و کافرون و نصر و حطاب</p>	<p>بعد از آن حشر باشد ای دلدار جمعه دارد و منافقون و کفایت سوره ملک بر تو تسلیم است نوح و پس جن نیز در پس آن نیز تدثر و قیامت دل نازعات است و عبس بعد از آن طافین است و سوره انعام است غاشیه و فجر چشم دل کشتا شرح و عین بخوانش بنما زلزله نیز بعد از آن بر خوان از کافران بعد از کشتا نیز ماعون خوان بعد از قرین آخر حشر و فلق و ناس را از رب</p>
<p>بعد از آن که نزول آن بوحی ملک جبرئیل بر رسول علیه السلام در مکرمه مدینه منوره باین ترتیب شده پدر احمد نقیر لطف الله استاد و نون شناس منزل استاد و کورت ذکر اعلى شرح و عادیات عصر همچون کافرون است و فیتل همچو فلق قدر و شمس و قوج و عین و فوش</p>	<p>از نزول سوره کحت آگاه باز به ترتیب پس نازی پس از آن سوره لیل و فجر و صحتی کوثر است و کافرون و ماعون ناس و حشر و فجر و اعلى حق قارعه پس قیامت ای سرچشمه</p>

بمیزه و حشاک و قنات و بکه
 هست اعزان و جن پس ایست
 بعد از دست مریم و طاقه
 باز غل قصص ذکر است
 حجر و قنات صافات شمر
 مو من فضلت ذکر شور را
 باز حفات و قنات بدان
 پس طیل انبیا زب مجید
 حاقه پس معراج آمد و غم
 بعد از شقاق آمد و زوم
 کوشش کن بر رسول حق شال
 بصره و باز موره انبال
 پیش از خواب اشجان و نسا
 پس قتال است رعد و پس قنات
 حشم و نصر است نور و حج و بر
 بعد از تحریه بر جت ای رسول
 پس قناتین چو صف و فتح ذکر
 شد احمد کین خسته کلام

طالق است و قمر جو صا در سه
 باز قنات ایام که بیستین
 پس از ان و قنات کر شمر
 به نوسن بود و یوسف زب
 بعد لقمان سباز سید و نگر
 ز خرب انکه دقان و چالیه را
 غاشیه کبف و خل و قنات
 مومنون سجد و مکر و ملک سید
 نازعات نفط رکشت رقم
 غنکبوت و مطلقین معلوم
 این شور شد بکه در نازل
 آل عمر ان ای خسته مقال
 از نزله بهم حیدر انخفا
 باز دهر و طلاق و بینه و آن
 چون نصاف و مجادله حشرات
 چمه کردست ای عزیز تر دل
 مانده بهم تو در مدینه شمر
 کشت در بیت و چهار بیت تمام

سپاس خدا که انطباع در رساله با صفا اعنی خواص سور قرآنی و تفسیر محمد بن علی سور
 کبیر و مدینه در مطبوعه مصطفائی واقع بیت سلطنت که محمد محمد و دیگر زیر اکر می رود از
 بتاریخ هفتم ربيع الاول ۱۲۹۵ هجری با تمام محمد مصطفی خان ولد حاجی
 محمد شین خان مخفوف صورت نامی ظهور گردید ۸۴۹۱

۲۳۱۵

DUE DATE

۱۹۱۵/۵/۲۵

۸۲۹۱	۸۹۱۵۵۱۲۵	۸۲۹۱	۸۹۱۵۵۱۲۵
۸۲۹۱	۸۹۱۵۵۱۲۵	۸۲۹۱	۸۹۱۵۵۱۲۵
خواص سورہ فتح و آل مجید			
DATE	NO	DATE	NO